



معاونت فرهنگی
واحد اصفهان



سازمان دانشجویان
واحد اصفهان



کیمیا جهاد



کیمیا جهاد

سال اول | شماره نخست | نیمه اول مردادماه ۱۴۰۵

ویژه نامه چهل و ششمین سالگرد تشکیل جهاد دانشگاهی



طراح و گرافیکست: زهرا جانی قربان پوده



مدیر مسئول
حدیثه حاجیان



صاحب امتیاز
کانون نشریات کیمیا



گزارش و خبر
نگار آقای اصفهانی



تحریریه
گروه نشر کیمیا



کیمیا جهاد

شناسنامه	
صاحب امتیاز	کانون نشریات کیمیا [سازمان دانشجویان جهاد دانشگاهی اصفهان]
مدیر مسئول:	حدیثه حاجیان
سر دبیر:	مجتبی صفابخش
مشاور ارشد:	دکتر محسن شریعتی کمال آبادی
ویراستار:	کیمیا حکمت روان
گرافیکست و صفحه آرا:	مهسا عابد ابراهیمی
گزارش و خبر:	نگار آقایی اصفهانی
طراح جلد:	گروه طراحی نشریات کیمیا [زهرا جانی قربان پوده]
شمارگان:	۱
شماره مجوز	۱۴۰۵-۰۵-۰۱
زمینه انتشار:	عمومی
دوره انتشار:	فصلنامه سال اول مرداد ماه ۱۴۰۵
هماهنگی:	ظاهره شفیعی [روابط عمومی جهاد دانشگاهی اصفهان]
هیئت تحریریه:	ابوالفضل نوربخش، امیرحسین عباسی زاده، پرنیا پرورش، حدیثه حاجیان، سمیرا قاسمی، مجتبی صفابخش

یادداشت

مدیر مسئول - از نخستین گام تا افق های بزرگ تر

حدیثه حاجیان



از نخستین گام تا افق‌های بزرگ‌تر

حدیثه حاجیان مدیر مسئول فصلنامه کیمیا جهاد

دانشجویان و فعالان فرهنگی، به سوی تخصصی‌تر شدن محتوا و شکل‌گیری نشریات تخصصی مستقل حرکت خواهد کرد؛ مسیری که در آن هر کانون و هر دانشجوی صاحب ایده می‌تواند سهمی در تولید و انتشار دانش و فرهنگ داشته باشد.

چه نیکوست که نخستین شماره «کیمیا جهاد» همزمان با چهل‌وششمین سالگرد تأسیس جهاد دانشگاهی منتشر می‌شود؛ نهادی که چهار دهه و شش سال از حیات خود را با تکیه بر روحیه جهادی، دانش، نوآوری و حضور نسل‌های جوان پشت سر گذاشته است. این همزمانی را به فال نیک می‌گیریم و چهل‌وششمین سالگرد تأسیس جهاد دانشگاهی را به خانواده بزرگ این نهاد تبریک می‌گوییم. امیدوارم «کیمیا جهاد» در ادامه این مسیر، نه فقط یک نشریه، بلکه روایتی زنده از جریان فرهنگی و دانشجویی جهاد دانشگاهی باشد؛ روایتی که هر شماره آن، گامی تازه برای نزدیک‌تر شدن دانشجویان، ایده‌ها و فرصت‌ها به یکدیگر باشد.

انتشار نخستین شماره ماهنامه عمومی «کیمیا جهاد» را به همه دانشجویان توانمند و دغدغه‌مند، کانون‌ها و مجموعه فرهنگی جهاد دانشگاهی تبریک می‌گویم و از تمامی عزیزانی که با همت، خلاقیت و انگیزه، شکل‌گیری این نشریه را رقم زدند، صمیمانه قدردانی می‌کنم.

«کیمیا جهاد» در نخستین گام خود، تلاشی است برای ایجاد یک تربیون دانشجویی پویا؛ تربیونی که بتواند بازتاب‌دهنده فعالیت‌ها، رویدادها، دستاوردها و ظرفیت‌های جهاد دانشگاهی باشد و توانمندی‌های ارزشمند کانون‌های این مجموعه را به جامعه دانشگاهی معرفی کند. باور داریم که دانشگاه، تنها محل آموزش و پژوهش نیست؛ بلکه عرصه‌ای برای اندیشه‌ورزی، تجربه‌اندوزی، گفت‌وگو و آفرینش فرهنگی است و این نشریه می‌تواند بخشی از این جریان پویا باشد.

«کیمیا جهاد» اما قرار نیست در همین نقطه متوقف شود. این نخستین شماره را باید آغاز مسیری دانست که در ادامه، با تکیه بر توان

یادداشت

رئیس جهاد دانشگاهی واحد اصفهان

غلامرضا کرباسی



دکتر غلامرضا کرباسی، رئیس جهاد دانشگاهی واحد اصفهان

از پیشگامی فرهنگی تا اقتدار علمی؛ روایت ظرفیت‌های جهاد دانشگاهی اصفهان

گفت‌وگو با دکتر غلامرضا کرباسی، رئیس جهاد دانشگاهی واحد اصفهان، به مناسبت چهل‌وششمین سالگرد تشکیل جهاد دانشگاهی



جهاد دانشگاهی از آغاز شکل‌گیری خود، نهادی میان دانشگاه و جامعه بوده است؛ نهادی که تلاش کرده علم را از فضای نظری به عرصه عمل پیوند بزند و فرهنگ را در کنار آموزش، پژوهش و فناوری به یکی از ارکان مأموریت خود تبدیل کند. در چهل‌وششمین سالگرد تشکیل جهاد دانشگاهی و با شعار «جهاد دانشگاهی؛ اقتدار علمی در افق مقاومت»، جهاد دانشگاهی واحد اصفهان نیز با تکیه بر بیش از چهار دهه تجربه، مجموعه‌ای از ظرفیت‌های فرهنگی، پژوهشی، آموزشی، فناورانه و اشتغال‌آفرین را در اختیار دارد؛ ظرفیت‌هایی که هر کدام بخشی از یک منظومه بزرگ‌تر را شکل می‌دهند. غلامرضا کرباسی، سرپرست جهاد دانشگاهی واحد اصفهان، در تشریح پیشینه، ساختار و مأموریت‌های این مجموعه، از نهادی سخن می‌گوید که مأموریت آن تنها تولید علم یا برگزاری دوره‌های آموزشی نیست، بلکه ایجاد پیوند میان دانشگاه، فرهنگ، مهارت، فناوری و نیازهای واقعی جامعه است.



جهاد دانشگاهی؛ پیوند علم، ایمان و عمل

گسترده‌تر شد و نقش آن به عنوان پلی میان دانشگاه و بخش‌های صنعتی و خدماتی کشور پررنگ‌تر شد.

امروز، پس از گذشت بیش از چهار دهه از شکل‌گیری این واحد، ساختار جهاد دانشگاهی اصفهان مجموعه‌ای متنوع از معاونت‌های تخصصی و سازمان‌های وابسته را دربر می‌گیرد. چهار معاونت فرهنگی، پژوهشی، آموزشی و پشتیبانی در کنار شعبه سازمان تجاری‌سازی فناوری و اشتغال دانش‌بنیان، مجموعه‌ای را شکل داده‌اند که هر بخش مأموریت مشخصی دارد، اما در نهایت همه آنها در یک هدف مشترک به یکدیگر می‌رسند: استفاده از ظرفیت دانشگاه و نیروی انسانی متخصص برای پاسخ‌گویی به نیازهای جامعه.



اشتغال و تجاری‌سازی؛ عبور از ایده تا بازار

یکی از بخش‌های مهم این ساختار، سازمان تجاری‌سازی فناوری و اشتغال دانش‌بنیان یا «ستفا» است؛ مجموعه‌ای که بخشی از مأموریت خود را بر حوزه اشتغال دانشجویان، کارآفرینی و توانمندسازی نیروی انسانی متمرکز کرده است. مرکز مشاوره و کارآفرینی و مرکز کاربایی و توانمندسازی نیروی انسانی از جمله ظرفیت‌هایی هستند که در این بخش فعالیت می‌کنند و تلاش دارند فاصله میان دانشجو و بازار کار را کاهش دهند. در کنار این ظرفیت‌ها، «مرکز نوآوری و شتاب‌دهی (منش)» نیز با مأموریت تخصصی در حوزه «سلامت دیجیتال» در زیرمجموعه جهاد دانشگاهی واحد اصفهان فعالیت می‌کند. قرار گرفتن این مرکز در کنار ساختارهای اشتغال و تجاری‌سازی، تصویری از رویکردی ارائه می‌دهد که در آن ایده و دانش، زمانی به ارزش واقعی تبدیل می‌شوند که امکان حرکت به سمت نوآوری، کسب‌وکار و حل مسئله را پیدا کنند.

به باور کرباسی، این بخش از فعالیت جهاد دانشگاهی می‌تواند حلقه اتصال میان ظرفیت دانشگاه و نیازهای اقتصادی جامعه باشد؛ حلقه‌ای که در آن دانشجو و نیروی متخصص نه تنها برای ورود به بازار کار آماده می‌شوند، بلکه امکان پیدا می‌کنند بخشی از نیازهای بازار را نیز شناسایی و برای آن راه‌حل ارائه کنند.

جهاد دانشگاهی نهادی برخاسته از بطن انقلاب فرهنگی و دانشگاه است؛ نهادی که از نخستین روزهای فعالیت خود تلاش کرده میان علم، ایمان و عمل پیوندی مؤثر ایجاد کند. این رسالت را می‌توان در آیه شریفه «يُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ» نیز مشاهده کرد؛ آیه‌ای که در آن تزکیه، آموزش و حکمت در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند و می‌تواند تصویری از مأموریت تربیت نیروی انسانی آگاه، مسئولیت‌پذیر و دانش‌محور ارائه دهد.

کرباسی در تبیین جایگاه این نهاد، بر همین پیوند میان دانش و مسئولیت اجتماعی تأکید دارد؛ پیوندی که سبب شده جهاد دانشگاهی در طول چهار دهه فعالیت، صرفاً در قامت یک مجموعه دانشگاهی یا اجرایی باقی نماند و در عرصه‌های متنوعی از فرهنگ و آموزش تا پژوهش، فناوری و اشتغال نقش‌آفرینی کند. امسال، در چهل‌وششمین سالگرد تشکیل این نهاد، شعار «جهاد دانشگاهی؛ اقتدار علمی در افق مقاومت» نیز همین مسیر را به آینده پیوند می‌دهد؛ آینده‌ای که در آن اقتدار علمی تنها به تولید دانش محدود نمی‌شود، بلکه زمانی ارزشمند است که بتواند به حل مسئله، تربیت نیروی توانمند و پاسخ‌گویی به نیازهای جامعه منجر شود. در این نگاه، دانشگاه و جامعه دو فضای جدا از یکدیگر نیستند و جهاد دانشگاهی می‌تواند نقش واسطی را ایفا کند که دانش را به مهارت و ایده را به عمل نزدیک می‌سازد.



از انقلاب فرهنگی تا شکل‌گیری جهاد دانشگاهی اصفهان

جهاد دانشگاهی واحد اصفهان نیز در امتداد همین تحولات شکل گرفت. این واحد همگام با شکل‌گیری شورای عالی انقلاب فرهنگی و در راستای تحقق اهداف انقلاب فرهنگی، در سال ۱۳۵۹ در دانشگاه اصفهان تشکیل شد. فعالیت‌های نخستین آن در چارچوب سیاست‌های تدوین‌شده در شورای عالی انقلاب فرهنگی و با مشارکت در مدیریت دانشگاه‌ها آغاز شد؛ اما با بازنگری در وظایف و مأموریت‌های جهاد دانشگاهی، مسیر فعالیت واحد نیز به تدریج

فعالیت می‌کنند؛ ایسپا به سراغ افکار و نگرش‌های جامعه می‌رود؛ سازمان دانشجویان زمینه مشارکت و کنش دانشجویی را فراهم می‌کند و انتشارات و کتاب‌فروشی نیز بخشی از مأموریت تولید و عرضه دانش مکتوب را برعهده دارند.



گروه نیازسنجی و مطالعات فرهنگی نیز می‌تواند حلقه‌ای برای شناخت دقیق‌تر مخاطبان و مسائل فرهنگی باشد. از نگاه کرباسی، اهمیت این ساختار زمانی بیشتر آشکار می‌شود که فعالیت‌های فرهنگی و رسانه‌ای در کنار پژوهش و آموزش قرار گیرند. در چنین شرایطی، فرهنگ دیگر یک فعالیت جانبی نیست، بلکه به بخشی از فرآیند شناخت جامعه، گفت‌وگو با آن و پاسخ‌گویی به مسائلش تبدیل می‌شود.



آموزش؛ از یادگیری تا شایستگی

بخش دیگری از ظرفیت جهاددانشگاهی واحد اصفهان در معاونت آموزش و کارآفرینی متمرکز شده است؛ معاونتی که وظیفه مدیریت هفت مرکز آموزش تخصصی کوتاه‌مدت را برعهده دارد. این مراکز تلاش می‌کنند آموزش را به نیازهای تخصصی و مهارتی جامعه نزدیک کنند و زمینه‌ای برای ارتقای توانمندی نیروی انسانی فراهم آورند. در کنار آموزش‌های تخصصی، «مرکز آزمون» نیز به عنوان مجری آزمون‌های سازمان‌ها و نهادها در استان فعالیت می‌کند.

این مرکز، یکی از حلقه‌های ارتباط جهاددانشگاهی با دستگاه‌ها و سازمان‌های مختلف محسوب می‌شود و امکان استفاده از ظرفیت‌های تخصصی این نهاد را در فرآیندهای ارزیابی فراهم می‌کند. «کانون ارزیابی و توسعه شایستگی» نیز در حوزه ارزیابی نیروهای بدو استخدام و مدیران میانی فعالیت دارد. این بخش از مأموریت آموزشی جهاددانشگاهی، آموزش را از انتقال صرف دانش فراتر می‌برد و به حوزه سنجش توانمندی، شایستگی و توسعه سرمایه انسانی وارد می‌کند.

پژوهش برای شناخت مسئله‌های شهر در کنار اشتغال و فناوری، معاونت پژوهش و فناوری یکی دیگر از ارکان اصلی جهاددانشگاهی واحد اصفهان است. فعالیت این معاونت از طریق گروه‌های پژوهشی، «مطالعات گردشگری شهری» و «مطالعات اجتماعی فرهنگی شهر» دنبال می‌شود؛ دو حوزه‌ای که با توجه به ویژگی‌های اصفهان و مسائل اجتماعی و شهری آن، ظرفیت قابل توجهی برای تولید دانش کاربردی دارند. اندیشکده گردشگری و صنایع خلاق نیز در همین منظومه قرار دارد و می‌تواند نقطه اتصال پژوهش با ظرفیت‌های فرهنگی، تاریخی و اقتصادی شهر اصفهان باشد.

در کنار آن، دبیرخانه گرنت پژوهشی، «جامپ»، فصلنامه علمی پژوهشی، «فضا و مکان در شهر» و آزمایشگاه تشخیص طبی، مجموعه‌ای از ظرفیت‌های تخصصی را در اختیار واحد قرار داده‌اند که دامنه فعالیت‌های پژوهشی آن را از مطالعات شهری و اجتماعی تا خدمات تخصصی گسترش می‌دهد. این تنوع نشان می‌دهد که پژوهش در جهاددانشگاهی اصفهان تنها به تولید مقاله محدود نیست؛ بلکه تلاش می‌شود پژوهش در ارتباط با مسائل واقعی شهر و استان قرار گیرد و ظرفیت علمی دانشگاه به سمت شناخت و حل مسائل جامعه هدایت شود.



فرهنگ؛ نقطه اتصال دانشجو، رسانه و جامعه

معاونت فرهنگی، یکی از گسترده‌ترین بخش‌های جهاددانشگاهی واحد اصفهان، مسئولیت مجموعه‌ای از فعالیت‌های فرهنگی، دانشجویی و رسانه‌ای را برعهده دارد. ساختار این معاونت شامل خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا)، مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (ایسپا)، شعبه سازمان دانشجویان ایران، انتشارات و کتاب‌فروشی و گروه نیازسنجی و مطالعات فرهنگی است. این مجموعه‌ها در کنار یکدیگر، زنجیره‌ای از تولید، تحلیل و انتشار دانش و محتوا را شکل می‌دهند. ایسنا و ایکنا در حوزه رسانه و روایت عمومی





بلکه امکان پیوند میان این ظرفیت‌هاست. پژوهش می‌تواند مسئله را شناسایی کند، آموزش می‌تواند نیروی انسانی مورد نیاز را تربیت کند، بخش تجاری‌سازی می‌تواند ایده را به محصول و فرصت شغلی تبدیل کند و معاونت فرهنگی می‌تواند زمینه گفت‌وگو، مشارکت اجتماعی، رسانه و تولید دانش فرهنگی را فراهم آورد. در چنین ساختاری، هر معاونت بخشی از یک پازل بزرگ‌تر است. اگر این اجزا در کنار یکدیگر قرار گیرند، جهاددانشگاهی می‌تواند از یک مجموعه دارای چند فعالیت تخصصی، به یک منظومه حل مسئله تبدیل شود؛ منظومه‌ای که در آن دانشگاه، جامعه، صنعت، فرهنگ و فناوری با یکدیگر ارتباط پیدا می‌کنند.

کرباسی در تبیین جایگاه جهاددانشگاهی واحد اصفهان بر همین ظرفیت‌های انباشته‌شده در طول سال‌های فعالیت تکیه دارد؛ ظرفیت‌هایی که حاصل تجربه، نیروی انسانی متخصص و ساختارهای تخصصی هستند و می‌توانند در مواجهه با مسائل جدید استان مورد استفاده قرار گیرند.

اقتدار علمی در افق مقاومت

چهل‌وششمین سالگرد تشکیل جهاددانشگاهی، فرصتی برای بازخوانی گذشته و همزمان ترسیم آینده این نهاد است. جهاددانشگاهی واحد اصفهان امروز در نقطه‌ای قرار دارد که تجربه چهار دهه فعالیت را در کنار مجموعه‌ای از مأموریت‌های جدید و نیازهای متحول جامعه پیش روی خود می‌بیند. در این مسیر، «اقتدار علمی» زمانی می‌تواند به یک واقعیت اجتماعی تبدیل شود که علم در خدمت حل مسائل قرار گیرد، آموزش به توانمندسازی منجر شود، پژوهش با نیازهای جامعه پیوند بخورد، فناوری به اشتغال و ارزش‌آفرینی برسد و فرهنگ امکان گفت‌وگو، مشارکت و شکل‌گیری سرمایه اجتماعی را فراهم کند.

از این منظر، شعار «جهاددانشگاهی؛ اقتدار علمی در افق مقاومت» را می‌توان دعوتی به بازتعریف مأموریت جهاددانشگاهی در شرایط امروز دانست؛ نهادی که قرار نیست تنها حافظ تجربه‌های گذشته باشد، بلکه باید بتواند از آن تجربه برای پاسخ به مسائل آینده استفاده کند. جهاددانشگاهی واحد اصفهان در امتداد همین مسیر، تلاش دارد میان دانش، مهارت، فرهنگ و نوآوری پیوند برقرار کند؛ پیوندی که می‌تواند زمینه‌ساز توسعه‌ای متوازن و مسئله‌محور در استان باشد. این مسیر، از یک سو به پیشینه‌ای بازمی‌گردد که در متن انقلاب فرهنگی و دانشگاه شکل گرفته و از سوی دیگر، به آینده‌ای چشم‌دوخته است که در آن دانشگاه بیش از گذشته با جامعه، اقتصاد، فرهنگ و فناوری در ارتباط باشد.

در نهایت، روایت امروز جهاددانشگاهی واحد اصفهان را می‌توان روایت یک نهاد چندوجهی دانست که ظرفیت‌های فرهنگی، آموزشی، پژوهشی و فناورانه خود را در یک مسیر مشترک قرار داده است؛ مسیری که مقصد آن تنها تولید دانش نیست، بلکه تبدیل دانش به توانایی، توانایی به عمل و عمل به اثر اجتماعی است. شاید همین نقطه، همان جایی باشد که «اقتدار علمی» از یک عنوان به یک مأموریت تبدیل می‌شود؛ مأموریتی برای ساختن آینده‌ای که علم، فرهنگ و مسئولیت اجتماعی در آن از یکدیگر جدا نیستند.

مصاحبه: نگار آقایی اصفهانی



یادداشت

سرپرست معاونت فرهنگی جهاد دانشگاهی واحد صنعتی

سلیمان حیدری چالشری



گفت‌وگو با سلیمان حیدری چالشتی، سرپرست معاونت فرهنگی جهاد دانشگاهی واحد اصفهان، به مناسبت چهل‌وششمین سالگرد تشکیل جهاد دانشگاهی



در چهل‌وششمین سالگرد تشکیل جهاد دانشگاهی، معاونت فرهنگی این نهاد در اصفهان در حال تجربه تغییری تدریجی در نگاه به فعالیت فرهنگی است؛ تغییری از «برنامه‌سازی» به سوی «مسئله‌شناسی و شبکه‌سازی». در این رویکرد، دانشجو صرفاً مخاطب برنامه‌های فرهنگی نیست، بلکه خود به یکی از عناصر اصلی تولید فرهنگ، طرح مسئله، گفت‌وگو و کنش اجتماعی تبدیل می‌شود. سلیمان حیدری چالشتی، سرپرست معاونت فرهنگی جهاد دانشگاهی واحد اصفهان، در این گفت‌وگو از تجربه یک سال گذشته، مواجهه با جنگ شناختی، نقش سازمان دانشجویان، توسعه کانون‌های دانشجویی، فرهنگ مبتنی بر شواهد و چشم‌انداز آینده معاونت فرهنگی سخن می‌گوید؛ روایتی که در نهایت به یک ایده محوری می‌رسد: دانشجو نباید خود را صرفاً نسل آینده بداند، بلکه باید خود را صاحب نقش در ساختن امروز و آینده کشور ببیند.



اگر عملکرد معاونت فرهنگی را تنها با تعداد برنامه‌ها، نشست‌ها، جشنواره‌ها و رویدادها بسنجیم، بخش مهمی از واقعیت فعالیت فرهنگی دیده نخواهد شد. به باور حیدری، مهم‌ترین اتفاق یک سال گذشته، تغییر تدریجی منطق فعالیت فرهنگی و حرکت از برنامه‌سازی به سمت مسئله‌شناسی و شبکه‌سازی بوده است. «اگر بخواهیم عملکرد معاونت فرهنگی را فقط با تعداد برنامه‌ها، نشست‌ها، جشنواره‌ها و رویدادها بسنجیم، بخش مهمی از واقعیت را از دست داده‌ایم.

به اعتقاد من، مهم‌ترین اتفاق یک سال گذشته، تغییر تدریجی منطق فعالیت فرهنگی از برنامه‌سازی به مسئله‌شناسی و شبکه‌سازی بوده است. ما تلاش کرده‌ایم دانشجویان را نه صرفاً به عنوان مخاطب یک برنامه بلکه به عنوان عنصر اصلی تولیدکننده فرهنگ ببینیم.» این نگاه در سازمان دانشجویان نیز دنبال شده است؛ سازمانی که در تعریف جدید خود قرار است فاصله میان «آنچه می‌خواهیم باشد و آنچه هست» را کاهش دهد و دانشجویان آن را متناسب با نیازهای روز خود بسازند.

حیدری در این باره می‌گوید: «این نگاه در سازمان دانشجویان کاملاً قابل مشاهده است. در تعریف جدید این سازمان آمده است که این مجموعه باید فاصله میان «آنچه می‌خواهیم باشد و آنچه هست» را کاهش دهد و دانشجویان، آن را متناسب با نیازهای روز خود بسازند؛ با هدف روشن نگه داشتن چراغ امید، ساماندهی کار دانشجویی و کمک به ساختن خود و جهان پیرامون.» از نظر او، این رویکرد ارتباط مستقیمی با مفهوم «اقتدار علمی در افق مقاومت» دارد؛ چراکه اقتدار در حوزه فرهنگی، زمانی معنا پیدا می‌کند که دانشجویان قدرت ساختن داشته باشد. «این نگاه برای ما بسیار مهم است زیرا اگر قرار باشد «اقتدار علمی در افق مقاومت» را در حوزه فرهنگی معنا کنیم، یکی از مصادیق آن همین است که دانشجویان قدرت ساختن داشته باشد نه اینکه فقط مصرف‌کننده برنامه‌های فرهنگی باشد.»



یکی از نمودهای این رویکرد، چهاردهمین دوره مسابقات ملی مناظرات دانشجویان ایران بود؛ رویدادی که در مرحله استانی اصفهان ۲۴ گروه از دانشگاه‌های مختلف را گرد هم آورد و موضوعات آن از کیفیت برنامه‌های رسانه ملی و نسبت آموزش با بازار کار تا اصلاح بودجه، حکمرانی داخلی، بازدارندگی، روایت تاریخ ایران و مطالبات نسل Z را دربر می‌گرفت. اما برای سرپرست معاونت فرهنگی، اهمیت این رویداد به رقابت میان گروه‌ها محدود نمی‌شود. او تأکید می‌کند: «این برای من صرفاً یک مسابقه نیست.

وقتی دانشجوی دانشگاه اصفهان، فرهنگیان، دانشگاه آزاد و سایر دانشگاه‌ها در یک فضای قانونمند درباره چنین مسائلی پیچیده‌ای استدلال می‌کند، در واقع در حال تمرین یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های اقتدار یک جامعه است؛ توانایی اندیشیدن در شرایط اختلاف.» در کنار مناظرات، توسعه کانون‌های دانشجویی، برنامه‌های ترویج فرهنگ مطالعه و تلاش برای توسعه دفاتر سازمان دانشجویان در دانشگاه‌های استان نیز دنبال شده است. حیدری جمع‌بندی خود از مسیر طی شده را این‌گونه بیان می‌کند: «بنابراین اگر بخواهم دستاورد اصلی سال گذشته را نام ببرم، می‌گویم: ما تلاش کردیم زیرساختی بسازیم که دانشجویان بتوانند در آن خودش مسئله را ببینند، درباره آن فکر کنند با دیگری گفت‌وگو کنند و برای آن کنش فرهنگی انجام دهد.»



جنگ شناختی؛ مسئله‌ای فراتر از اخبار جعلی

در مواجهه با جنگ شناختی، نخستین مسئله از نگاه او، اصلاح تعریف این مفهوم است. جنگ شناختی فقط به انتشار اخبار جعلی یا عملیات روانی در شبکه‌های اجتماعی محدود نمی‌شود؛ بلکه در لایه عمیق‌تر، زمانی موفق می‌شود که انسان نسبت به واقعیت، دیگران، آینده یا حتی توانایی خود برای اثرگذاری دچار تردید شود. «به نظرم باید ابتدا تعریف خودمان از «جنگ شناختی» را اصلاح کنیم.

در برابر عملیات شناختی، نمی‌توان دانشجو را برای همیشه در یک محیط محافظت‌شده قرار داد. او بالاخره وارد فضای واقعی جامعه و اینترنت می‌شود، با ده‌ها روایت متعارض مواجه می‌شود و باید بتواند میان خبر، تحلیل، تبلیغ، شایعه و دستکاری شناختی تمایز بگذارد. بنابراین راه‌حل پایدار، مصرف نکردن روایت‌های دیگران نیست؛ توانایی تولید قضاوت مستقل و مستدل است.»

بر همین اساس، مناظره دانشجویی نیز از یک رقابت معمول فاصله می‌گیرد و به ابزاری تربیتی تبدیل می‌شود. «به همین دلیل، مناظره دانشجویی برای ما یک مسابقه نیست؛ یک ابزار تربیتی است.» در مناظرات اخیر اصفهان، موضوعاتی همچون روایت متکثر از تاریخ ایران، مطالبات اجتماعی و فرهنگی نسل Z، اقتصاد و رسانه مورد بحث قرار گرفت و به اعتقاد او، همین‌جا فرهنگ و اقتدار علمی به یکدیگر می‌رسند.

«اقتدار علمی یعنی من بتوانم ادعای خود را با استدلال و شواهد مطرح کنم و در عین حال بتوانم سخن مخالف را بشنوم. جامعه‌ای که گفت‌وگو را از دست بدهد حتی اگر دانش علمی بالایی داشته باشد در برابر جنگ شناختی آسیب‌پذیر خواهد بود. به همین دلیل، یکی از راهبردهای اصلی ما باید تبدیل دانشگاه به محیطی برای تمرین گفت‌وگوی عقلانی، سواد رسانه‌ای، تفکر نقاد و مشارکت اجتماعی باشد.»



معاونت فرهنگی؛ ظرفیت‌ساز نه مجری همه امور

در این رویکرد، نقش معاونت فرهنگی نیز دستخوش تغییر می‌شود. قرار نیست این معاونت همه فعالیت‌ها را به تنهایی انجام دهد؛ بلکه باید ظرفیت ایجاد کند تا دانشجویان و کانون‌ها امکان ایده‌پردازی، اجرا و تجربه‌آموزی داشته باشند. «اگر قرار باشد این سیاست را در معاونت فرهنگی به زبان ساده بیان کنم معنایش این است: معاونت فرهنگی نباید همه کارها را خودش انجام دهد؛ باید ظرفیت ایجاد کند تا دیگران بتوانند کار کنند.» وی در ادامه توضیح می‌دهد: «ما به دنبال آن هستیم که سازمان دانشجویان از یک دفتر اجرایی به یک شبکه دانشجویی تبدیل شود.

جنگ شناختی فقط انتشار اخبار جعلی یا عملیات روانی در شبکه‌های اجتماعی نیست. در سطح عمیق‌تر، جنگ شناختی زمانی موفق می‌شود که انسان نسبت به واقعیت، نسبت به دیگران، نسبت به آینده و حتی نسبت به توانایی خودش برای اثرگذاری دچار تردید شود. بنابراین پاسخ فرهنگی به جنگ شناختی نمی‌تواند صرفاً تولید محتوای تبلیغاتی باشد. اگر دانشجو احساس کند که کسی حرف او را نمی‌شنود، اگر نتواند سؤالش را مطرح کند، اگر فضای گفت‌وگو نداشته باشد و اگر نهاد فرهنگی دانشگاه را صرفاً یک نهاد دستوردهنده بداند حتی بهترین محتوای رسانه‌ای نیز الزاماً اثرگذار نخواهد بود. راهبرد ما در یک سال گذشته تا حد زیادی بر سه اصل استوار بوده است: شنیدن، تحلیل کردن و ایجاد امکان کنش.»

تجربه جنگ اخیر نیز فرصتی برای آزمودن همین رویکرد بود. با تغییر شرایط و توقف فعالیت‌های حضوری، سازمان دانشجویان جهاد دانشگاهی اصفهان فعالیت فرهنگی را متوقف نکرد و بخشی از فعالیت‌ها را با فراخوان عکاسی «در جست‌وجوی زندگی» و پویش «مساله زندگی» در فضای مجازی دنبال کرد و پس از فراهم شدن شرایط، فعالیت‌های حضوری را از سر گرفت. وی درباره این تجربه خاطرنشان می‌کند: «این تجربه برای ما یک پیام مهم داشت: نهاد فرهنگی اثرگذار نهادی نیست که فقط در شرایط عادی بتواند برنامه برگزار کند؛ نهادی است که در بحران نیز بتواند نسبت خود را با جامعه حفظ کند. در واقع، فرهنگ باید در بحران بتواند زندگی را حفظ کند.»



دانشگاه؛ میدان تمرین قضاوت مستقل

از نگاه سرپرست معاونت فرهنگی، مهم‌ترین مأموریت دانشگاه افزایش قدرت تحلیل دانشجویان است. دانشجو نمی‌تواند برای همیشه در محیطی محافظت‌شده باقی بماند؛ او در نهایت با روایت‌های متعارض جامعه و فضای مجازی مواجه خواهد شد و باید بتواند میان خبر، تحلیل، تبلیغ، شایعه و دستکاری شناختی تمایز قائل شود. حیدری در این زمینه تصریح می‌کند: «من معتقدم مهم‌ترین مأموریت ما در دانشگاه، افزایش قدرت تحلیل دانشجو است.



جهاد دانشگاهی؛ اقدار علمی در افق مقاومت



در همین مسیر، توسعه ارتباط با دانشگاه‌های استان و ایجاد زمینه برای شکل‌گیری دفاتر سازمان دانشجویان را دنبال کرده‌ایم. همچنین کانون‌های دانشجویی را صرفاً واحدهایی برای برگزاری برنامه نمی‌بینیم بلکه آنها را هسته‌های کوچک تولید ایده و تجربه فرهنگی می‌دانیم.» در حال حاضر در صفحه سازمان دانشجویان امکان درخواست عضویت، درخواست کار دانشجویی و اعلام نیاز به نیروی دانشجو پیش‌بینی شده و شورای شعبه سازمان دانشجویان اصفهان نیز بررسی تشکیل هشت کانون دانشجویی جدید را در دستور کار قرار داده است. حیدری در این باره تأکید دارد: «این اتفاق از نظر ما مهم‌تر از افزایش صرف تعداد برنامه‌هاست زیرا سرمایه اصلی معاونت فرهنگی، ساختمان و تجهیزات نیست؛ شبکه‌ای از دانشجویان فعال، خلاق و مسئله‌مند است.»



فرهنگ مبتنی بر شواهد

یکی دیگر از محورهای مورد توجه، حرکت از تصمیم‌گیری فرهنگی مبتنی بر برداشت‌های کلی به سمت فرهنگ مبتنی بر داده و شواهد است. او معتقد است یکی از ضعف‌های تاریخی فعالیت فرهنگی این بوده که گاهی درباره جامعه بدون آنکه از خود جامعه پرسش شود، تصمیم گرفته‌ایم. «یکی از ضعف‌های تاریخی فعالیت فرهنگی در کشور این بوده که گاهی درباره جامعه بدون جامعه تصمیم گرفته‌ایم یعنی درباره جوانان، زنان، دانشجویان، سرمایه اجتماعی یا سبک زندگی صحبت کرده‌ایم اما همیشه به اندازه کافی از خود آنها نپرسیده‌ایم که مسئله چیست.» در جهاددانشگاهی، وجود مرکز افکارسنجی دانشجویان (ایسپا) و گروه نیازسنجی و مطالعات فرهنگی می‌تواند حلقه ارتباط میان فرهنگ و داده را شکل دهد. «برای نمونه ایسپای جهاددانشگاهی اصفهان در سال گذشته در طرح‌هایی مانند سنجش رضایتمندی شهروندان از عملکرد شهرداری اصفهان و همچنین نظرسنجی از مسافران مترو، بررسی الگوی رای‌دهی مردم در انتخابات شهر و روستا و چند طرح مهم ملی و استانی دیگر مشارکت داشته است. اینها اگر در کنار ظرفیت سازمان

دانشجویان، خبرگزاری‌ها و مرکز ترویج مطالعه و نشر قرار بگیرند می‌توانند یک چرخه ارزشمند ایجاد کنند و این دقیقاً همان چیزی است که من آن را فرهنگ مبتنی بر شواهد می‌نامم.» بر همین اساس، یکی از اهداف آینده حرکت به سمت رصد اختصاصی جامعه دانشجویی استان اصفهان است. حیدری توضیح می‌دهد: «در آینده، یکی از اهداف جدی ما این است که به سمت رصد اختصاصی جامعه دانشجویی استان اصفهان حرکت کنیم یعنی به جای اینکه درباره دانشجو صرفاً از روی برداشت‌های عمومی صحبت کنیم، درباره نگرش‌ها، دغدغه‌ها، امیدها، اضطراب‌ها، الگوهای مشارکت و نیازهای فرهنگی او داده تولید کنیم. این می‌تواند یکی از مهم‌ترین مزیت‌های رقابتی معاونت فرهنگی جهاددانشگاهی اصفهان باشد.»



از واحدهای مستقل تا یک زنجیره دانایی

این نگاه در مرحله بعد، مجموعه‌های مختلف جهاددانشگاهی را به یکدیگر پیوند می‌دهد. «من این مجموعه‌ها را واحدهای مستقل نمی‌بینم؛ آنها را اجزای یک زنجیره دانایی می‌دانم.» در تصویری که او از این زنجیره ارائه می‌دهد، مسئله از جامعه دانشجویی آغاز می‌شود؛ ایسپا گستره آن را می‌سنجد، گروه مطالعات فرهنگی آن را تحلیل می‌کند، سازمان دانشجویان زمینه گفت‌وگو و کنش را فراهم می‌آورد، ایسنا مسئله را به عرصه عمومی می‌آورد، ایکن ابعاد فرهنگی، اخلاقی و دینی آن را بررسی می‌کند و انتشارات، حاصل این فرآیند به دانش‌ماندگار تبدیل می‌کند. حیدری این فرآیند را چنین شرح می‌دهد: «تصور کنید مسئله‌ای در جامعه دانشجویی شکل می‌گیرد. ایسپا می‌تواند بگوید این مسئله چقدر گسترده است.

گروه مطالعات فرهنگی می‌تواند آن را تحلیل کند. سازمان دانشجویان می‌تواند درباره آن گفت‌وگو و کنش دانشجویی ایجاد کند. ایسنا می‌تواند آن را به مسئله عمومی تبدیل و روایت کند. ایکن می‌تواند ابعاد فرهنگی، اخلاقی و دینی آن را بررسی کند و انتشارات می‌تواند حاصل این فرآیند را به دانش‌ماندگار تبدیل کند.

به مدرسه واقعی یادگیری اجتماعی و مدیریتی شود. اگر این اتفاق بیفتد، نگهداشت دانشجو دیگر صرفاً با انگیزه‌های شعاری اتفاق نمی‌افتد. دانشجو می‌ماند چون احساس می‌کند اینجا دارد رشد می‌کند.»



اقتدار علمی و حفظ حافظه سازمانی

شعار «جهاد دانشگاهی؛ اقتدار علمی در افق مقاومت» از این منظر، پرسشی اساسی نیز پیش روی معاونت فرهنگی قرار می‌دهد: اقتدار علمی چگونه باید به زندگی مردم و جامعه منتقل شود؟ حیدری در پاسخ می‌گوید: «شعار «جهاد دانشگاهی؛ اقتدار علمی در افق مقاومت» برای ما یک پرسش هم ایجاد می‌کند: اقتدار علمی چگونه باید به زندگی مردم و جامعه منتقل شود؟ اگر پاسخ این سؤال فقط تولید مقاله یا فناوری باشد بخشی از مفهوم جهاد دانشگاهی را نادیده گرفته‌ایم. در حوزه فرهنگی، اقتدار علمی یعنی بتوانیم در برابر مسئله‌های فرهنگی و اجتماعی نیز دانش تولید کنیم، مسئله را دقیق بفهمیم و برای آن راه حل ارائه کنیم.» در این میان، تاریخ شفاهی و توجه به پیشکسوتان نیز بخشی از همین مأموریت است. «تجربه کسانی که در دهه‌های گذشته در شکل‌گیری جریان فرهنگی جهاد دانشگاهی نقش داشته‌اند سرمایه‌ای است که نباید از حافظه سازمان حذف شود.» برگزاری برنامه بزرگداشت معاون فرهنگی اسبق جهاد دانشگاهی واحد اصفهان، مرحوم اسماعیلی، نیز در همین چارچوب قرار می‌گیرد. او درباره این اقدام می‌گوید: «در روزهای سالگرد نیز برنامه بزرگداشت معاون فرهنگی اسبق جهاد دانشگاهی واحد اصفهان، مرحوم اسماعیلی، در دستور کار قرار گرفت، اقدامی که از نظر ما صرفاً بزرگداشت یک فرد نیست بلکه نوعی حفاظت از حافظه سازمانی و انتقال تجربه بین نسل‌ها است.» چشم‌انداز سال آینده نیز همین مسیر تعریف شده است: «در سال آینده نیز به دنبال آن هستیم که در کنار استمرار رویدادهای شاخص به سمت برنامه‌هایی برویم که خروجی ماندگار داشته باشند؛ از تولید آثار و تاریخ شفاهی گرفته تا رصدهای فرهنگی، رویدادهای مسئله‌محور و توسعه شبکه دانشجویان.»

اگر این اتفاق بیفتد، ما یک اکوسیستم دانایی داریم. این، از نظر من، یکی از بهترین ترجمه‌های فرهنگی شعار «اقتدار علمی در افق مقاومت» است. زیرا مقاومت فقط مقاومت در برابر یک تهدید بیرونی نیست؛ مقاومت در برابر سطحی شدن، بی‌خبری، شایعه، فراموشی تاریخی، ناامیدی و از دست دادن قدرت تحلیل نیز هست.» بر همین اساس، چشم‌انداز ترسیم شده برای معاونت فرهنگی نیز فراتر از اجرای برنامه‌های فرهنگی است: «چشم‌انداز ما این است که معاونت فرهنگی جهاد دانشگاهی اصفهان در این حوزه، به یک مرجع تولید و گردش دانش فرهنگی و اجتماعی در استان تبدیل شود.»



دانشجوی امروز؛ مشارکت متفاوت، نه بی‌تفاوتی

حیدری با برداشت رایج درباره بی‌علاقگی نسل جدید به فرهنگ موافق نیست و مسئله را در تغییر شکل مشارکت می‌داند. «من اساساً با تعبیر دانشجو دیگر علاقه‌ای به فرهنگ ندارم موافق نیستم. به نظر من مسئله این نیست که دانشجو بی‌تفاوت شده؛ مسئله این است که صورت مشارکت او تغییر کرده است. نسل امروز الزاماً نمی‌خواهد عضو یک ساختار رسمی باشد و در جلسات متعدد شرکت کند اما ممکن است برای یک مسئله اجتماعی، یک پروژه رسانه‌ای، یک پویش، یک فیلم، یک کتاب، یک تجربه داوطلبانه یا یک مسئله محیط‌زیستی با انرژی زیادی مشارکت کند. بنابراین باید ساختارهای مشارکت را تغییر دهیم.» در چنین شرایطی، کانون‌های سازمان دانشجویان می‌توانند محل آزمودن شکل‌های تازه مشارکت باشند. «کانون‌های سازمان دانشجویان در واقع آزمایشگاه‌های کوچک این تحول‌اند.» او تأکید می‌کند که دانشجو نباید صرفاً نیروی اجرایی معاونت فرهنگی باشد، بلکه باید در فرآیند فعالیت فرهنگی مهارت‌های واقعی زندگی اجتماعی و مدیریتی را تجربه کند: «ما می‌خواهیم دانشجو در معاونت فرهنگی فقط نیروی اجرایی نباشد.

او باید بتواند: مسئله انتخاب کند؛ ایده بدهد؛ تیم تشکیل دهد؛ بودجه و منابع را مدیریت کند؛ رویداد طراحی کند؛ مذاکره کند و نتیجه کار خود را ارزیابی کند یعنی فعالیت فرهنگی باید برای دانشجو تبدیل

مسئله‌ای عمیق‌تر از بی‌تفاوتی؛ مسئله معنا

در تحلیل وضعیت نسل جوان، وی بر یک نکته مهم تأکید می‌کند: درباره یک نسل نباید بدون داده و با پیش‌فرض سخن گفت. با این حال، تجربه میدانی و تعامل با دانشجویان برخی مسائل را آشکار کرده است؛ از کاهش سرمایه اجتماعی و فاصله میان نسل جوان و برخی ساختارهای رسمی گرفته تا نگرانی نسبت به آینده، کاهش مشارکت جمعی، قطبی‌شدن گفت‌وگوها و غلبه روایت‌های کوتاه و هیجانی. اما به باور او، پشت بسیاری از این مسائل یک مسئله عمیق‌تر وجود دارد: «مسئله معنا». «به نظر من باید در اینجا بسیار مراقب باشیم که درباره یک نسل، بدون داده و با پیش‌فرض صحبت نکنیم اما بر اساس تجربه میدانی، تعامل با دانشجویان و روندهای اجتماعی، چند مسئله جدی قابل مشاهده است: کاهش سرمایه اجتماعی، فاصله میان نسل جوان و برخی ساختارهای رسمی، نگرانی نسبت به آینده، کاهش مشارکت جمعی، قطبی‌شدن گفت‌وگوها و غلبه روایت‌های کوتاه و هیجانی بر روایت‌های عمیق اما پشت بسیاری از این مسائل، یک مسئله عمیق‌تر وجود دارد: مسئله معنا. دانشجو می‌پرسد چرا باید مشارکت کنیم؟ چه چیزی تغییر خواهد کرد؟ آیا صدای من شنیده می‌شود؟ آینده من چه خواهد شد؟ آیا فعالیت فرهنگی واقعاً ارزشی ایجاد می‌کند؟» به همین دلیل، مأموریت معاونت فرهنگی نیز باید از مقابله صرف با آسیب‌ها به سمت ایجاد سرمایه فرهنگی و اجتماعی تغییر کند.

حیدری در این باره می‌گوید: «اگر برای این پرسش‌ها پاسخ واقعی نداشته باشیم با چند برنامه مناسب نمی‌توانیم مشارکت فرهنگی ایجاد کنیم به همین دلیل، مأموریت معاونت فرهنگی را باید از مقابله با آسیب به سمت ایجاد سرمایه فرهنگی و اجتماعی تغییر دهیم. دانشجویی که احساس تعلق دارد، مهارت گفت‌وگو دارد، امکان مشارکت دارد، آینده خود را قابل ساختن می‌داند و احساس می‌کند می‌تواند اثرگذار باشد در برابر بسیاری از آسیب‌های شناختی و اجتماعی مقاوم‌تر است. بنابراین

برنامه آینده ما باید بر رصد مستمر، تولید داده، گفت‌وگو، مشارکت اجتماعی و توانمندسازی دانشجو استوار باشد.»



«شما صرفاً نسل آینده نیستید»

در پایان این روایت، موضوع به آینده نسل جوان و احساس نقش‌آفرینی آنان می‌رسد. از نگاه حیدری، بزرگ‌ترین تهدید برای جامعه جوان فقط ناامیدی نیست؛ بلکه احساس بی‌اثری است؛ اینکه جوان تصور کند تحولات بزرگ آن قدر پیچیده‌اند که نقشی در آنها ندارد. او خطاب به دانشجویان می‌گوید: «فکر می‌کنم در این مقطع تاریخی، بزرگ‌ترین خطری که جامعه جوان ما را تهدید می‌کند، فقط ناامیدی نیست بلکه احساس بی‌اثری است. اینکه جوان تصور کند اتفاقات بزرگ جهان و کشور آن قدر پیچیده‌اند که او هیچ نقشی در آنها ندارد.

من می‌خواهم دقیقاً در نقطه مقابل این نگاه بایستم. به دانشجویان می‌گویم: شما صرفاً نسل آینده نیستید؛ شما بخشی از جامعه امروز هستید و حق دارید درباره امروز اثر بگذارید. اگر از چیزی ناراضی هستید، آن را به پرسش تبدیل کنید. اگر مسئله‌ای می‌بینید، آن را مطالعه کنید. اگر با دیدگاهی مخالفید، آن را نقد کنید. اگر ایده‌ای دارید، برای تحقق آن تیم بسازید و اگر با ناامیدی مواجه شدید، تصور نکنید امید یعنی ندیدن مشکلات. امید واقعی، توان دیدن مسئله و همچنان توانایی اقدام کردن است.»

در ادامه، نقش زنان نیز در این چشم‌انداز مورد تأکید قرار می‌گیرد: «به دختران دانشجو نیز به طور ویژه می‌گویم که آینده فرهنگی ایران بدون حضور فعال، خلاق و مطالبه‌گر زنان قابل تصور نیست. شما نباید خودتان را صرفاً مخاطب سیاست‌های فرهنگی بدانید. شما باید در طراحی و ساختن فرهنگ آینده کشور نقش داشته باشید و شاید همین‌جا بتوانیم به معنای عمیق شعار امسال جهاد دانشگاهی برسیم.» جمع‌بندی این نگاه، پیوند میان اقتدار علمی،

شهروند آگاه، فرهنگ عقلانی، اعتماد، سرمایه اجتماعی و قدرت انتخاب است: «(اقتدار علمی) فقط زمانی در جامعه ماندگار می‌شود که در کنار دانشمندان، شهروند آگاه داشته باشیم؛ در کنار فناوری، فرهنگ عقلانی داشته باشیم؛ در کنار پیشرفت علمی، اعتماد و سرمایه اجتماعی داشته باشیم و در کنار مقاومت، قدرت فهمیدن و انتخاب کردن داشته باشیم.»



در این روایت، «(افق مقاومت)» دیگر صرفاً یک افق نظامی یا سیاسی نیست؛ بلکه به معنای جامعه‌ای است که اجازه نمی‌دهد قدرت تحلیلش مصادره شود، حافظه‌اش تحریف شود، امیدش از میان برود و آینده‌اش توسط دیگران تعریف شود. شاید یکی از مهم‌ترین وظایف معاونت فرهنگی جهاددانشگاهی در سال‌های پیش‌رو نیز همین باشد؛ ساختن بستری که دانشجو در آن نه فقط خود را برای آینده کشور آماده کند، بلکه خود را صاحب نقش در ساختن آن بداند.



حیدری در پایان بر همین معنا تأکید می‌کند: «(از این منظر، افق مقاومت فقط یک افق نظامی یا سیاسی نیست. افق مقاومت، افق جامعه‌ای است که اجازه نمی‌دهد قدرت تحلیلش مصادره شود، حافظه‌اش تحریف شود، امیدش از بین برود و آینده‌اش توسط دیگران تعریف شود و شاید یکی از مهم‌ترین وظایف معاونت فرهنگی جهاددانشگاهی در سال‌های پیش‌رو همین باشد: کمک کنیم دانشجو نه فقط برای آینده کشور بلکه برای ساختن آن خود را صاحب نقش بداند.»

مصاحبه: نگار آقایی اصفهانی

جهاد دانشگاهی؛ از یک مصوبه تا روایت یک مسیر

قسمت اول | تولد در روزهای ناآرام

ایده را صورت رسمی بخشید. در متن مصوبه، یکی از اهداف اصلی، «اشتغال نیروهائی که بر اثر تعطیل دانشگاه‌ها آزاد شده‌اند و استفاده از خدمات آنان برای بازسازی و نوسازی کشور» عنوان شد. این عبارت، تصویری روشن از فلسفه اولیه جهاد دانشگاهی ارائه می‌دهد؛ دانشگاه ممکن بود موقتاً تعطیل باشد، اما ظرفیت آن نباید از حرکت می‌ایستاد.

برای جهاد دانشگاهی وظایفی مانند شناسایی نیروهای آزادشده، بررسی امکان به‌کارگیری آنان در نهادهای مختلف و استفاده از امکانات و تجهیزات دانشگاه‌ها پیش‌بینی شد. ترکیب نخستین شورا نیز با حضور نمایندگان ستاد انقلاب فرهنگی، استادان، دانشجویان، کارکنان و نماینده جهاد سازندگی، نشان‌دهنده تلاش برای پیوند دانشگاه با نیازهای واقعی کشور بود.

هنوز چند هفته از این آغاز نگذشته بود که جنگ تحمیلی در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ آغاز شد. شرایط جدید، معنای «خدمت» را گسترده‌تر کرد. کشور به دانش، نیروی انسانی و توان فنی دانشگاه‌ها نیاز داشت و جهاد دانشگاهی نیز در نخستین آزمون تاریخی خود قرار گرفت.

جهاد دانشگاهی در آن روز هنوز با پژوهشگاه‌ها و دستاوردهای علمی سال‌های بعد فاصله داشت؛ اما یک اصل از همان ابتدا شکل گرفته بود: «دانشگاه نباید از جامعه جدا بماند؛ حتی اگر درهای کلاس‌ها بسته باشد».

گاهی تاریخ یک نهاد، نه با افتتاح ساختمانی بزرگ، بلکه با یک نیاز آغاز می‌شود؛ نیازی که در دل بحران شکل می‌گیرد و بعدها به بخشی از تاریخ یک کشور تبدیل می‌شود. ۱۶ مرداد ۱۳۵۹ یکی از همین روزهاست؛ روزی که در میانه تحولات انقلاب فرهنگی، جهاد دانشگاهی شکل گرفت؛ نهادی که قرار بود ظرفیت دانشگاه را، حتی در روزهای تعطیلی، در خدمت کشور قرار دهد.

برای فهم این آغاز باید به ماه‌های نخست سال ۱۳۵۹ بازگشت؛ روزهایی که دانشگاه‌های کشور درگیر تحولات انقلاب فرهنگی بودند. پس از فرمان امام خمینی(ره) در ۲۳ خرداد برای تشکیل ستاد انقلاب فرهنگی، بازنگری در برنامه‌های آموزشی و ساماندهی ساختار دانشگاه‌ها در دستور کار قرار گرفت. دانشگاه‌ها تعطیل شدند، اما مسئله علم و نیروی انسانی تعطیل نشد. استادان، دانشجویان، کارشناسان و کارکنان همچنان سرمایه‌ای بودند که کشور به آنها نیاز داشت.

در چنین فضایی، ایده شکل‌گیری جهاد دانشگاهی مطرح شد. دکتر علی منتظری، از چهره‌های مؤثر آن دوره، در روایت خود از روزهای آغازین، به شکل‌گیری نهادی اشاره می‌کند که قرار بود امور اجرایی داخل دانشگاه را سامان دهد. به تعبیر او، «یک نهادی به نام جهاد دانشگاهی هم بنا شد برای امور اجرایی در داخل دانشگاه به وجود بیاید.» مصوبه ۱۶ مرداد ۱۳۵۹ این

ماددوست

مردی که از میان مارفت، اما از یاد جهاد و انگاهی نرفت

حدیثه حاجیان





Photo: Mahsa Etchadi

یادداشتی برای زنده‌یاد داریوش (مصطفی) اسماعیلی، معاون فرهنگی اسبق جهاددانشگاهی واحد اصفهان



چهل‌وشش سالگی جهاددانشگاهی، فقط فرصتی برای مرور دستاوردها و شمارش سال‌هایی که بر این نهاد گذشته نیست؛ گاهی باید در میان صفحات این تاریخ مکتب کرد و نام کسانی را به یاد آورد که بخشی از این مسیر را با حضور، اندیشه و دغدغه‌هایشان ساخته‌اند؛ چهره‌هایی که امروز در میان ما نیستند، اما ردّ قدم‌هایشان همچنان در حافظه یک مجموعه باقی مانده است.

که تربیت کرده‌اند، در خاطرات همکارانشان و در فرهنگی که در سال‌های مسئولیت خود بنا گذاشته‌اند، به زندگی ادامه می‌دهند. اسماعیلی نیز از همین جنس بود. از جمله آثاری که از او به یادگار مانده، کتاب «برای امروز، برای فردا» است؛ اثری در شرح مناجات شعبانیه و دعا‌های ماه مبارک رمضان که در آن تلاش کرده است میان متن دعا و زندگی انسان امروز پیوندی برقرار کند. عنوان کتاب شاید خود به اندازه کافی گویای نگاه او باشد؛ نگاهی که «(امروز) را از «فردا» جدا نمی‌کرد و معنویت را نه چیزی دور از زندگی، بلکه سرمایه‌ای برای ساختن آن می‌دانست.

زنده‌یاد داریوش (مصطفی) اسماعیلی از همین چهره‌هاست؛ معاون فرهنگی اسبق جهاددانشگاهی واحد اصفهان، مفسر نهج‌البلاغه و نویسنده‌ای که فرهنگ را تنها در برگزاری برنامه‌ها نمی‌دید، بلکه آن را فرصتی برای اندیشیدن، پرسیدن و نزدیک‌تر شدن انسان به حقیقت می‌دانست. امروز او در قطعه نام‌آوران اصفهان آرام گرفته است؛ جایی که نام‌های بسیاری از بزرگان این شهر را در خود جای داده است. اما گاهی آرام گرفتن یک انسان در خاک، به معنای پایان حضور او نیست. بعضی آدم‌ها پس از رفتن نیز در کتاب‌هایی که نوشته‌اند، در شاگردانی

نام اسماعیلی با نهج البلاغه نیز گره خورده بود. او تلاش داشت حکمت‌های امیرالمؤمنین (ع) را از فضای صرفاً کتابخانه‌ای خارج کند و به پرسش‌های انسان معاصر پیوند بزند. همین نگاه، فعالیت فرهنگی او را نیز از یک مسئولیت اداری فراتر می‌برد؛ فرهنگ برای او میدان گفت‌وگو با انسان و جامعه بود. شاید امروز که جهاد دانشگاهی واحد اصفهان در آستانه پنجمین دهه فعالیت خود قرار گرفته و نسل تازه‌ای از دانشجویان و جوانان در کانون‌ها، رسانه‌ها، مراکز فرهنگی، پژوهشی و آموزشی آن فعالیت می‌کنند، بیش از هر زمان دیگری نیازمند یادآوری چنین چهره‌هایی باشیم.



سازمان‌ها فقط با ساختمان‌ها، آیین‌نامه‌ها و نمودارهای سازمانی ساخته نمی‌شوند؛ آدم‌ها نیز بخشی از حافظه و هویت آنها هستند. هر نسلی که می‌آید، اگر گذشته خود را نشناسد، بخشی از سرمایه‌ای را که پیش از او ساخته شده از دست خواهد داد. اسماعیلی امروز در میان ما نیست؛ اما نام او در تاریخ فرهنگی جهاد دانشگاهی اصفهان باقی مانده است. در میان سطرهای کتاب‌هایش، در خاطره کسانی که او را می‌شناختند و در مسیر فرهنگی‌ای که بخشی از سال‌های عمر خود را برای آن گذاشت. و شاید چه زیباست که در سالگرد تأسیس جهاد دانشگاهی، در کنار سخن گفتن از آینده، لحظه‌ای نیز رو به گذشته بایستیم و به کسانی سلام کنیم که پیش از ما چراغی را روشن کردند که امروز وظیفه ماست آن را خاموش نگذاریم. زنده یاد داریوش (مصطفی) اسماعیلی، امروز در قطعه نام‌آوران اصفهان آرمیده است؛ اما نام‌آوران واقعی تنها در سنگ مزارشان خلاصه نمی‌شوند. برخی از آنان در حافظه یک شهر، در تاریخ یک نهاد و در اندیشه نسل‌هایی که پس از آنها می‌آیند، همچنان زنده‌اند.

یادش گرامی و راهش ماندگار | به قلم حدیثه حاجیان



یادداشت

همین جہاد کوچک!

سمیرا قاسمی



سمیرا قاسمی - مدیر اجرایی سازمان دانشجویان جهاد دانشگاهی اصفهان



آخرین بار، بهاری که گذشت، روی صندلی کمیته‌ای که بنا بود پیش از تصمیم‌گیری برای تبدیل وضعیتیم، ارزیابی لازم را برای تشخیص شایستگی انجام بدهد، به این سوال جواب داده‌ام: «چشم‌انداز شما از حضورتان در جهاد دانشگاهی چیست؟ و به فعالیت در کدام بخش علاقه دارید؟»

صادقانه گفته‌ام که در آن چشم‌انداز، به یک بخش، میز یا مقام فتح نشده فکر نمی‌کنم، به جهادگر واقعی شدن اما چرا و هیچ جایی را، نزدیک‌تر از سازمان دانشجویان، به روح جهاد نمی‌دانم؛ جایی که مجمع دانشگاهیان دغدغه‌مند است و دانشجویها در آن، داوطلبانه و با شوق کار می‌کنند؛ می‌سازند و ساخته می‌شوند، بی‌توجه به خیلی چیزها که در جهان اداری، زیادی جدی‌ست...

این‌جا هر بار که یک قانون تازه، با هسته ۳ تا ۷ نفره‌اش، برای اجرای ایده‌ای تازه تشکیل می‌شود، می‌توانم برگردم به سال ۵۹ و جهاد دانشگاهی را ببینم که با همه وسعت امروزش، روزی در دایره‌ای به همین کوچکی خلاصه می‌شده و با تکیه به اراده و علم و ایمان، به جایی که حالا هست رسیده؛ و هر بار، همین تصویر است که مجابم می‌کند در جلسه معارفه، با اطمینان تمام، به اعضای آن قانون تازه که در آستانه‌ی شکل دادن به یک ایده‌اند، رو کنم و بگویم: «شما می‌توانید.»

یادداشت

امروز؛ جهاد انشکاهی برای چه؟

مجتبی صفابخش



امروز؛ جهاد دانشگاهی برای چه؟

اما شاید در چهل و ششمین سالگرد تأسیس جهاد دانشگاهی، مهم‌تر از مرور آنچه این نهاد در گذشته انجام داده، پرسیدن یک سؤال باشد: امروز جامعه ایران از جهاد دانشگاهی چه می‌خواهد؟ پاسخ به این پرسش، تنها با فهرست کردن دستاوردهای گذشته ممکن نیست. جهاد دانشگاهی اگر قرار است همچنان یک نهاد اثرگذار باقی بماند، باید بتواند مأموریت تاریخی خود را با مسائل جدید کشور بازتعریف کند؛ همان‌گونه که در روزهای نخست شکل‌گیری، خود را با نیازهای زمانه تطبیق داد.

امروز مسئله کشور تنها کمبود نیروی متخصص یا فاصله میان دانشگاه و صنعت نیست. جامعه با مجموعه‌ای از مسائل درهم تنیده مواجه است؛ از مهاجرت و اشتغال دانش‌آموختگان و تغییرات سریع فناوری گرفته تا هوش مصنوعی، اقتصاد دانش‌بنیان، تحولات سبک زندگی، کاهش سرمایه اجتماعی، مسائل زیست‌محیطی، سالمندی جمعیت، تغییر الگوهای یادگیری و البته جنگ شناختی و پیچیده‌تر شدن فضای رسانه‌ای. در چنین شرایطی، جهاد دانشگاهی نمی‌تواند صرفاً همان مأموریت‌های گذشته را با ابزارهای جدید تکرار کند؛ نیاز امروز، بازتعریف مسئله و ساختن پاسخ‌های تازه است.

یکی از مهم‌ترین مسیرهای رشد جهاد دانشگاهی می‌تواند حرکت جدی‌تر به سمت پژوهش‌های مسئله‌محور باشد؛ پژوهشی که نقطه آغاز آن نه صرفاً یک موضوع دانشگاهی، بلکه یک مسئله واقعی در جامعه باشد. جهاد دانشگاهی می‌تواند میان پژوهشگر، دستگاه اجرایی، صنعت، جامعه محلی و دانشگاه ارتباط برقرار کند و از این طریق، مسیر تولید دانش تا اجرای راه‌حل را کوتاه‌تر سازد.

مسیر مهم دیگر، هوش مصنوعی و فناوری‌های نوپهور است. اگر جهاددانشگاهی در دهه‌های گذشته در برخی فناوری‌های پیش‌رفته پیشگام بوده است، امروز نیز باید بتواند در حوزه‌هایی مانند هوش مصنوعی، سلامت دیجیتال، زیست‌فناوری، فناوری‌های شهری، تحلیل داده و فناوری‌های فرهنگی، نقش یک مجموعه پیشرو و مسئله‌حل‌کن را ایفا کند. آینده متعلق به مجموعه‌هایی نیست که صرفاً فناوری را مصرف می‌کنند؛ بلکه متعلق به نهادهایی است که توانایی تولید، بومی‌سازی و استفاده هوشمندانه از فناوری را دارند



از سوی دیگر، سرمایه انسانی جوان شاید مهم‌ترین ظرفیت مغفول مانده‌ای باشد که جهاددانشگاهی می‌تواند بیش از گذشته روی آن سرمایه‌گذاری کند. دانشجوی نباید صرفاً مخاطب دوره آموزشی یا برنامه فرهنگی باشد. باید بتواند در جهاددانشگاهی مسئله پیدا کند، تیم تشکیل دهد، ایده خود را آزمایش کند، تجربه شکست و موفقیت داشته باشد، مهارت کسب کند و در نهایت بخشی از مسیر حل مسئله کشور شود. اگر جهاددانشگاهی بتواند چنین زیست‌بومی را برای دانشجویان ایجاد کند، سازمان دانشجویان، کانون‌های فرهنگی، مراکز آموزشی، پژوهشی و فناوریانه دیگر واحدهای جدا از هم نخواهند بود؛ بلکه حلقه‌های یک زنجیره تربیت نیروی انسانی اثرگذار خواهند شد. در حوزه فرهنگ نیز نیاز امروز، عبور از برنامه‌محوری به مسئله‌محوری است.



جامعه امروز بیش از آنکه به تعداد بیشتری از برنامه‌های مناسبی نیاز داشته باشد، به فضایی برای گفت‌وگو، شنیده‌شدن، تفکر نقاد و مشارکت واقعی نیاز دارد. جهاددانشگاهی می‌تواند دانشگاه را به آزمایشگاهی برای تمرین گفت‌وگوی اجتماعی، سواد رسانه‌ای، مسئولیت‌پذیری و کنشگری تبدیل کند؛ جایی که دانشجوی نه فقط درباره جامعه، بلکه در متن جامعه بیاموزد و اثر بگذارد. در این میان، رسانه و داده نیز می‌توانند نقش تازه‌ای پیدا کنند. جهاددانشگاهی از مزیتی

برخوردار است که کمتر مجموعه‌ای به این شکل در اختیار دارد؛ همزمان با پژوهشگر، رسانه، افکارسنجی، دانشجو، آموزش و فعالیت فرهنگی در یک ساختار حضور دارند. اگر این ظرفیت‌ها به یکدیگر متصل شوند، می‌توانند چرخه‌ای شکل دهند که از «شناخت مسئله» آغاز شود، به «تحلیل» برسد، در رسانه به «گفت‌وگو» تبدیل شود و در نهایت به «راه‌حل» منتهی گردد. از این منظر، جهاددانشگاهی امروز لازم است فراتر از آنچه تاکنون بوده است بیندیشد؛ نه به معنای فاصله گرفتن از هویت تاریخی خود، بلکه دقیقاً برای وفادار ماندن به همان فلسفه‌ای که در سال ۱۳۵۹ شکل گرفت. جهاد دانشگاهی زمانی به وجود آمد که کشور با یک وضعیت متفاوت و یک نیاز تاریخی مواجه بود و توانست پاسخی متناسب با آن شرایط ارائه کند. امروز نیز باید بتواند پاسخ متناسب با زمانه خود را بسازد.



جهاددانشگاهی آینده شاید بیش از آنکه یک «سازمان» باشد، باید یک «زیست‌بوم حل مسئله» باشد؛ زیست‌بومی که در آن دانش به فناوری، فناوری به محصول، محصول به اشتغال، پژوهش به سیاست‌گذاری، فرهنگ به مشارکت و دانشجوی به نیرویی برای ساختن آینده تبدیل شود. چهل‌وشش سال پس از آن شانزدهم مرداد تاریخی، شاید پرسش اصلی دیگر این نباشد که «جهاددانشگاهی چه کرده است؟»؛ پرسش مهم‌تر این است که «جهاددانشگاهی برای مسئله‌های فردا چه خواهد کرد؟ پاسخ این پرسش، آینده این نهاد را رقم خواهد زد. اگر قرار است جهاددانشگاهی همچنان «جهاد» دانشگاه باشد، باید همان روحیه‌ای را که در نخستین روزهای تولدش داشت حفظ کند؛ دیدن مسئله پیش از آنکه به بحران تبدیل شود، اعتماد به توان جوانان، پیوند علم و عمل و جسارت ورود به میدان‌هایی که هنوز پاسخ روشنی برای آنها وجود ندارد.

شاید راز ماندگاری جهاددانشگاهی نیز همین باشد؛ نه ماندن در گذشته، بلکه وفادار ماندن به اندیشه‌ای که هر نسل را وادار می‌کند برای مسائل زمان خود، پاسخ تازه‌ای پیدا کند.



قسمت دوم | جهاد در میدان؛ از جنگ تا دانشگاه

فکری، فرهنگی و اجتماعی دانشجو بداند.

در ادامه، فعالیت‌های علمی و پژوهشی نیز جایگاه مهم‌تری پیدا کردند. جهاد دانشگاهی به تدریج از نهادی که در شرایط خاص انقلاب فرهنگی شکل گرفته بود، به مجموعه‌ای با مأموریت‌های متنوع فرهنگی، آموزشی، پژوهشی و علمی تبدیل شد. تغییر ساختار ستاد انقلاب فرهنگی و شکل‌گیری شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز بر مسیر فعالیت‌های آن اثر گذاشت.

تصویب اساسنامه جدید جهاد دانشگاهی در سال ۱۳۶۹، مرحله مهمی در تثبیت ساختار این نهاد بود. جهاد دانشگاهی اکنون می‌توانست با هویتی مشخص‌تر، در فاصله میان دانشگاه و جامعه حرکت کند؛ فاصله‌ای که از ابتدا قرار بود میان آن پل بزند.

اما مهم‌تر از تغییر عنوان‌ها و ساختارها، تغییری بود که در نگاه به دانشگاه رخ داد. دانشگاه دیگر تنها محل انتقال محفوظات نبود؛ می‌توانست محل حل مسئله، تولید فرهنگ و پرورش استعداد باشد. جهاد دانشگاهی نیز تلاش کرد این سه حوزه را در کنار یکدیگر قرار دهد.

مسیر از همین جا به مرحله‌ای تازه رسید؛ مرحله‌ای که در آن، تجربه فرهنگی و دانشگاهی با پژوهش و فناوری پیوند خورد. اگر روزی مسئله اصلی، استفاده از نیروهای دانشگاهی در دوران تعطیلی بود، اکنون پرسش بزرگ‌تر این بود: آیا همین ظرفیت می‌تواند دانش جدید تولید کند و مرزهای علمی کشور را جابه‌جا کند؟

پاسخ این پرسش را باید در دستاوردهای علمی سال‌های بعد جست‌وجو کرد؛ جایی که نام جهاد دانشگاهی در کنار پژوهشگران جوان و فناوری‌های پیشرفته قرار گرفت.

جهاد دانشگاهی هنوز نهادی جوان بود که جنگ تحمیلی آغاز شد و کشور وارد مرحله‌ای تازه شد. در چنین شرایطی، دیگر نمی‌شد میان دانشگاه و نیازهای فوری جامعه مرزی روشن کشید. دانش، نیروی انسانی، تجهیزات و امکانات دانشگاهی می‌توانستند بخشی از بار کشور را بردوش بکشند و جهاد دانشگاهی نیز در همین مسیر، تجربه‌ای تازه از مسئولیت اجتماعی دانشگاه به دست آورد.

در سال‌های جنگ، بخشی از ظرفیت‌های دانشگاهی در مسیر پشتیبانی از کشور و دفاع مقدس قرار گرفت. آزمایشگاه‌ها، کارگاه‌ها و نیروهای متخصص، دیگر تنها برای فعالیت‌های معمول آموزشی و دانشگاهی مورد استفاده نبودند. همین تجربه، نگاه جهاد دانشگاهی به مفهوم «جهاد» را عمیق‌تر کرد؛ جهادی که در کنار علم، با مسئولیت، نیازشناسی و خدمت معنا پیدا می‌کرد.

با بازگشایی دانشگاه‌ها، مأموریت جهاد دانشگاهی نیز وارد مرحله‌ای تازه شد. اگر در روزهای نخست، ساماندهی نیروها و امور اجرایی اهمیت داشت، اکنون دانشگاه دوباره به محیطی برای آموزش، تربیت و فعالیت دانشجویی تبدیل شده بود. جهاد دانشگاهی نیز به تدریج حضور خود را در عرصه فرهنگ و فعالیت‌های دانشجویی گسترش داد.

جشنواره‌های دانشجویی، برنامه‌های ادبی و هنری، رویدادهای علمی و فعالیت‌های فرهنگی، بخشی از این مسیر بودند. جشنواره تئاتر دانشجویان، کنگره شعر و ادب، مسابقات ورزشی و برنامه‌هایی همچون «کتاب سال دانشجویی» و «پایان‌نامه سال دانشجویی» نشان می‌دادند که جهاد دانشگاهی تلاش دارد دانشگاه را تنها محل آموزش تخصصی نبیند؛ بلکه آن را محیطی برای رشد



گزارش عملکرد

از طرح جامع گردشگری تا توسعه سرمایه انسانی؛ روایت یک سال فعالیت

اقدامات شاخص جهاد دانشگاهی واحد اصفهان از مرداد ۱۴۰۴ تا مرداد ۱۴۰۵

اقدامات شاخص جهاد دانشگاهی واحد اصفهان از مرداد ۱۴۰۴ تا مرداد ۱۴۰۵

از مرداد ۱۴۰۴ تا مرداد ۱۴۰۵، جهاد دانشگاهی واحد اصفهان مجموعه‌ای از اقدامات پژوهشی، فناورانه، آموزشی و توسعه منابع انسانی را در دستور کار داشته است؛ اقداماتی که در میان آنها، تدوین و پیگیری طرح جامع گردشگری استان، تهیه اطلس گردشگری مبتنی بر GIS، شناسایی بازارهای هدف بین‌المللی، مطالعه گردشگری ورزشی و همچنین برگزاری آزمون‌های استخدامی و اجرای کانون‌های ارزیابی و توسعه شایستگی، از جمله شاخص‌ترین فعالیت‌ها به شمار می‌روند.

غلامرضا کرباسی، سرپرست جهاد دانشگاهی واحد اصفهان، در تشریح بخشی از این اقدامات، از تلاش این مجموعه برای تبدیل ظرفیت‌های پژوهشی، به طرح‌های اجرایی و حرکت در مسیر پاسخ‌گویی به نیازهای واقعی استان سخن می‌گوید. طرح جامع گردشگری؛ پژوهشی، برای یک نقشه راه استانی یکی از اقدامات شاخص معاونت پژوهش و فناوری جهاد دانشگاهی واحد اصفهان در این بازه زمانی، تدوین و پیگیری طرح جامع گردشگری استان اصفهان با رویکرد سرمایه‌گذاری بوده است؛ طرحی که از سوی معاونت پژوهش و فناوری دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی به عنوان طرح برگزیده کشوری انتخاب و معرفی شد.

کرباسی درباره روند شکل‌گیری و پیگیری این طرح توضیح می‌دهد: «این طرح در سال ۱۴۰۲ بازننگری شده بود، اما به دلیل برخی مسائل مدیریتی، فرایند تأیید نهایی آن متوقف مانده بود. با توجه به اهمیت موضوع و با کارفرمایی اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان، پیگیری‌های لازم از سوی جهاد دانشگاهی انجام شد و بازننگری‌های مورد نیاز نیز در تعامل با اداره کل میراث فرهنگی و استانداری صورت گرفت.» این روند در ادامه وارد مرحله جدی‌تری شد و بررسی طرح در ساختارهای تخصصی استان

در دستور کار قرار گرفت. «در ادامه، در میز گردشگری استان و با دستور استانداری محترم مقرر شد طرح در کارگروه‌های تخصصی، مورد بررسی قرار گیرد. در این مسیر، پیگیری‌های جدی معاون اقتصادی استانداری نیز نقش مؤثری در پیشبرد فرایند داشت و در نهایت، طرح جامع گردشگری استان موفق به اخذ تأییدیه‌های نهایی شد.»

به گفته سرپرست جهاد دانشگاهی واحد اصفهان، اهمیت این طرح تنها در تدوین یک سند مطالعاتی خلاصه نمی‌شود، بلکه امکان تبدیل آن به مجموعه‌ای از مأموریت‌های مشخص برای دستگاه‌های اجرایی را نیز فراهم می‌کند. وی در این باره می‌گوید: «بر اساس این طرح، وظایف هر یک از دستگاه‌ها و نهادهای مرتبط نیز قابل استخراج است تا پس از ابلاغ، هر دستگاه متناسب با مسئولیت خود در اجرای آن ایفای نقش کند. پیش از تأیید نهایی نیز نظرات دستگاه‌های مختلف و کانون‌های مرتبط با حوزه گردشگری دریافت و در فرایند تدوین لحاظ شده بود.»



گردشگری؛ یکی از محورهای آینده اصفهان

تمرکز جهاد دانشگاهی اصفهان بر حوزه گردشگری، در نگاه کرباسی، با توجه به اولویت‌های تعیین‌شده برای استان، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. او با اشاره به طرح «سه به علاوه یک» می‌گوید: «اهمیت پرداختن به حوزه گردشگری از آن جهت است که استانداری اصفهان، در قالب طرح «سه به علاوه یک»، سه محور گردشگری، هوش مصنوعی و انرژی را نیز به عنوان محورهای مهم استان معرفی کرده‌اند. با توجه به مأموریت تعریف‌شده برای جهاد دانشگاهی اصفهان، تمرکز ویژه‌ای بر حوزه گردشگری شکل گرفته است.» این رویکرد در مجموعه‌ای از مطالعات و طرح‌های مکمل نیز دنبال شده است تا ظرفیت گردشگری استان از زوایای مختلف مورد شناسایی و برنامه‌ریزی قرار گیرد.

اطلس گردشگری؛ ساخت بانک اطلاعاتی استان

یکی دیگر از اقدامات شاخص معاونت پژوهش و فناوری، تدوین اطلس گردشگری اصفهان مبتنی بر GIS بوده است؛ اقدامی که با هدف ایجاد یک تصویر جامع و داده‌محور از ظرفیت‌های گردشگری استان انجام شده است.

کرباسی با اشاره به خلأ موجود در این زمینه می‌گوید: «یکی دیگر از اقدامات شاخص معاونت پژوهش و فناوری جهاددانشگاهی واحد اصفهان، تدوین اطلس گردشگری اصفهان مبتنی بر GIS است. پیش از این، اصفهان از یک نقشه جامع و بانک اطلاعاتی منسجم در حوزه گردشگری برخوردار نبود. این اطلس با حدود ۱۲۰۰ لایه اطلاعاتی طراحی و به اداره کل میراث فرهنگی ارائه شده و مورد استفاده قرار گرفته است.»

این اطلس علاوه بر آنکه امکان ارائه تصویری جامع از ظرفیت‌های گردشگری استان را فراهم می‌کند، یک ویژگی مهم دیگر نیز دارد؛ قابلیت به‌روزرسانی و توسعه. «اطلس گردشگری اصفهان علاوه بر اطلاع‌رسانی و ارائه تصویری جامع از ظرفیت‌های گردشگری استان، قابلیت به‌روزرسانی دارد؛ به این معنا که امکان اضافه یا حذف کردن اطلاعات و لایه‌های جدید وجود دارد و می‌تواند به عنوان یک بانک اطلاعاتی جامع در حوزه گردشگری استان مورد استفاده قرار گیرد.» به این ترتیب، اطلس گردشگری می‌تواند از یک محصول مطالعاتی به زیرساختی برای تصمیم‌گیری‌های آینده تبدیل شود؛ زیرساختی که اطلاعات آن قابل توسعه است و می‌تواند متناسب با تغییرات و نیازهای جدید استان به‌روزرسانی شود.



از سند جامع تا پروژه‌های اجرایی

مسیر پژوهشی- جهاددانشگاهی در حوزه گردشگری به تدوین سند و اطلس محدود نمی‌شود و قرار است این ظرفیت‌ها در ادامه به

پروژه‌های مشخص‌تر تبدیل شوند. کرباسی در این زمینه می‌گوید: «در ادامه همین مسیر، موضوع طرح جامع گردشگری نیز دنبال خواهد شد تا از دل آن، برش‌های استانی و پروژه‌های مشخص استخراج شود و هر یک از این برش‌ها بتواند مبنای تعریف و اجرای پروژه‌های پژوهشی و اجرایی قرار گیرد.» این رویکرد، پژوهش را از مرحله مطالعه و تدوین سند عبور می‌دهد و به سمت استفاده عملی از نتایج آن هدایت می‌کند؛ به گونه‌ای که خروجی مطالعات بتواند مبنای تعریف پروژه‌های مشخص و قابل اجرا در استان قرار گیرد.



گردشگری سلامت و فرصت پیش‌روی اصفهان

در حوزه گردشگری، موضوع دیگری که در افق پیش‌رو مورد توجه قرار گرفته، گردشگری سلامت است. برگزاری کنفرانس و نمایشگاه گردشگری سلامت کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی در سال پیش‌رو در اصفهان، فرصت تازه‌ای را پیش‌روی استان قرار داده است. وی درباره نقش جهاددانشگاهی در این زمینه می‌گوید: «در حوزه گردشگری همچنین با توجه به برگزاری کنفرانس و نمایشگاه گردشگری سلامت کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی در سال پیش‌رو در اصفهان، تلاش می‌شود با استفاده از ظرفیت‌های جهاددانشگاهی و در تعامل با سایر دستگاه‌ها، به‌ویژه اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، نقش مؤثری در اجرای وظایف محول شده ایفا شود.»

شناخت گردشگر، پیش‌شرط توسعه بازار

یکی دیگر از محورهای پژوهشی- دنبال شده، شناسایی بازارهای هدف جدید گردشگری در حوزه بین‌المللی بوده است. در این مطالعات، تنها مقصد گردشگران مورد توجه نبوده، بلکه ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی، سلیقه و نوع جاذبه‌های مورد علاقه آنها نیز بررسی شده است.

کرباسی در تشریح این مطالعات می‌گوید: «از دیگر اقدامات پژوهشی، شناسایی بازارهای هدف جدید گردشگری در حوزه بین‌المللی بوده است. در این طرح، مقاصد و بازارهای هدف از منظر سلیقه، ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی و نوع جاذبه‌های مورد علاقه گردشگران مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند.»

او برای توضیح اهمیت این نوع مطالعات، به بررسی بازار کشورهای عربی اشاره می‌کند: «برای نمونه، در بررسی کشورهای عربی مشخص شد که بخشی از گردشگران این کشورها بیشتر به استفاده از هتل‌های چندستاره و امکانات و خدمات باکیفیت و تشریفاتی علاقه‌مند هستند و در مقایسه با برخی دیگر از گردشگران، استقبال کمتری از اقامتگاه‌های بوم‌گردی و تجربه‌های مشارکتی مانند تهیه غذا یا چیدن محصولات کشاورزی دارند.» این اطلاعات می‌تواند در طراحی محصولات گردشگری و برنامه‌ریزی برای جذب گردشگران نقش داشته باشد. «این مطالعات با هدف شناخت دقیق‌تر بازارهای هدف و متناسب‌سازی ظرفیت‌های گردشگری استان با نیاز و سلیقه گردشگران انجام شده و نتایج آن در اختیار اداره کل میراث فرهنگی قرار خواهد گرفت.»



گردشگری ورزشی؛ یک ظرفیت مکمل

در کنار گردشگری فرهنگی و سلامت، ظرفیت گردشگری ورزشی نیز در تعامل با دستگاه‌های استانی مورد مطالعه قرار گرفته است. سرپرست جهاددانشگاهی واحد اصفهان در این باره خاطرنشان می‌کند: «در تعامل با اداره کل ورزش و جوانان استان، موضوع توسعه گردشگری ورزشی نیز مورد مطالعه قرار گرفته و طرح مربوطه تهیه و به این اداره ارائه شده است.» این مطالعات مجموعه فعالیت‌های پژوهشی- جهاددانشگاهی در حوزه گردشگری را گسترده‌تر می‌کند و زمینه‌ای برای بررسی ظرفیت‌های جدید استان در بازارهای مختلف گردشگری فراهم می‌سازد.



آزمون‌های استخدامی؛ در مسیر خدمت به دستگاه‌های اجرایی

در کنار فعالیت‌های پژوهشی، معاونت آموزش و کارآفرینی جهاددانشگاهی واحد اصفهان نیز در این بازه زمانی بخشی از مأموریت‌های خود را در حوزه آزمون‌های تخصصی دنبال کرده است. کرباسی با اشاره به این بخش از فعالیت‌ها می‌گوید: «در حوزه معاونت آموزش و کارآفرینی جهاددانشگاهی واحد اصفهان، آزمون‌های استخدامی دستگاه‌های مختلف از جمله آموزش و پرورش و بانک شهر با همکاری جهاددانشگاهی واحد صنعتی اصفهان برگزار شد که این اقدامات در چارچوب وظایف محول شده از سوی دفتر مرکزی جهاددانشگاهی صورت گرفت.» برگزاری این آزمون‌ها، بخشی از ظرفیت جهاددانشگاهی در حوزه خدمات تخصصی به سازمان‌ها و دستگاه‌های اجرایی است و در کنار فعالیت‌های آموزشی، جایگاه این نهاد را در فرآیندهای ارزیابی و تأمین نیروی انسانی نیز تقویت می‌کند.



ارزیابی شایستگی؛ فراتر از سنجش اولیه

یکی دیگر از فعالیت‌های حوزه منابع انسانی، اجرای کانون ارزیابی و توسعه شایستگی برای دستگاه‌ها و سازمان‌های مختلف بوده است. این بخش از فعالیت‌ها به جای تمرکز صرف بر آزمون‌های کتبی، ظرفیت‌های تخصصی و شایستگی‌های نیروی انسانی را مورد ارزیابی قرار می‌دهد.

سرپرست جهاددانشگاهی واحد اصفهان در پایان این بخش از فعالیت‌ها می‌گوید: «در حوزه ارزیابی و توسعه منابع انسانی نیز جهاددانشگاهی واحد اصفهان متولی اجرای کانون ارزیابی توسعه شایستگی برای دستگاه‌ها و سازمان‌های مختلف بوده است که از آخرین نمونه‌های آن می‌توان به بانک کشاورزی اشاره کرد.»



پژوهش در خدمت تصمیم، آموزش در خدمت توانمندسازی

مرور اقدامات جهاددانشگاهی واحد اصفهان از مرداد ۱۴۰۴ تا مرداد ۱۴۰۵، تصویری از مجموعه‌ای ارائه می‌دهد که تلاش دارد ظرفیت‌های پژوهشی و آموزشی خود را به نیازهای واقعی استان متصل کند.

کمیته‌ها و شماره نخست

از طرح جامع گردشگری و اطلس مبتنی بر GIS تا مطالعات بازارهای هدف، گردشگری ورزشی و گردشگری سلامت، بخش مهمی از این مسیر بر شناخت دقیق تر ظرفیت‌ها و تبدیل داده و پژوهش به ابزار تصمیم‌گیری استوار بوده است. در سوی دیگر، برگزاری آزمون‌های استخدامی و فعالیت کانون ارزیابی و توسعه شایستگی نشان می‌دهد که مأموریت جهاد دانشگاهی در حوزه آموزش و منابع انسانی نیز به انتقال دانش محدود نمی‌شود و توانمندسازی، ارزیابی و توسعه سرمایه انسانی را دنبال می‌کند.

در مجموع، آنچه در این یک سال بیش از هر چیز در این اقدامات به چشم می‌آید، تلاش برای حرکت از «پژوهش به تصمیم» و از «آموزش به توانمندسازی» است؛ مسیری که می‌تواند بخشی از معنای «اقتدار علمی در افق مقاومت» را در میدان عمل نشان دهد؛ یعنی علمی که در کنار تولید دانش، بتواند برای مسائل واقعی استان نیز راه حل، ابزار و مسیر اجرایی ایجاد کند.



قسمت سوم | از جوان دانشگاه تا مرزهای دانش

تلاش، آزمون و خطا و اعتماد به توان علمی پژوهشگران ایرانی قرار داشت. زنده‌یاد دکتر سعید کاظمی آشتیانی و همکارانش در رویان نمونه‌ای از نسلی بودند که تلاش کردند محدودیت‌ها را به مانع دائمی تبدیل نکنند و با تکیه بر دانش و خودباوری، وارد عرصه‌های پیشرفته علمی شوند.

این دو دیدار، اگرچه در دو حوزه متفاوت برگزار شدند، اما یک پیام مشترک داشتند: «اعتماد به جوان ایرانی و فراهم کردن زمینه شکوفایی استعدادهای او.» در دیدار نخست، سخن از هدایت فکری و فرهنگی دانشجوی بود و در دیدار دوم، نتیجه همان اعتماد در قامت پژوهشگر و تولیدکننده دانش دیده می‌شد. از این منظر، تاریخ جهاد دانشگاهی را می‌توان زنجیره‌ای از فرهنگ، تربیت، علم، پژوهش و فناوری دانست. نهادی که در سال ۱۳۵۹ برای پاسخ به یک نیاز فوری شکل گرفت، در طول بیش از چهار دهه مسیرهای مختلفی را تجربه کرد و به تدریج به یکی از نمونه‌های پیوند دانشگاه با مسائل واقعی کشور تبدیل شد. امروز، فاصله میان مصوبه ۱۶ مرداد ۱۳۵۹ و دستاوردهای علمی جهاد دانشگاهی، بیش از چهار دهه است؛ اما میان این دو نقطه، یک نخ مشترک وجود دارد: «باور به ظرفیت دانشگاه و اعتماد به جوانانی که می‌توانند دانایی را به عمل تبدیل کنند».

شاید میراث اصلی جهاد دانشگاهی نیز همین باشد؛ اینکه دانشگاه زمانی اثرگذارتر است که از جامعه جدا نماند و علم زمانی به پیشرفت تبدیل می‌شود که با مسئولیت، خودباوری و روحیه خدمت همراه شود. جهاد دانشگاهی از یک آغاز ساده شروع شد، اما مسیر آن نشان داد یک ایده کوچک، اگر با اراده و اعتماد به توان انسانی همراه شود، می‌تواند به میراثی ماندگار در فرهنگ و علم کشور تبدیل شود.

مسیر جهاد دانشگاهی را می‌توان از یک نقطه به نقطه‌ای دیگر دنبال کرد؛ از دانشگاهی که در سال‌های نخست نیازمند ساماندهی بود تا پژوهشگاه‌هایی که بعدها در مرزهای دانش فعالیت کردند. در این مسیر، «جوان» همواره یکی از مهم‌ترین حلقه‌های اتصال فرهنگ و علم بوده است. دو دیدار تاریخی در ۱۱ شهریور ۱۳۶۹ و ۱۳۸۲، تصویری روشن از این تحول ارائه می‌کنند.

در ۱۱ شهریور ۱۳۶۹، اعضای شورای مرکزی جهاد دانشگاهی در دهمین سالگرد تشکیل این نهاد با رهبر معظم انقلاب اسلامی دیدار کردند. در این دیدار، بر جایگاه جهاد دانشگاهی در محیط دانشگاه و ظرفیت آن برای فعالیت‌های فرهنگی و تحقیقاتی و هدایت فکری دانشجویان تأکید شد. توصیه به حفظ و تقویت این نهاد و تعبیر آن به عنوان «(یک جریان اصلی)» در دانشگاه، نشان می‌داد که مأموریت جهاد دانشگاهی تنها در حوزه اجرا یا پژوهش خلاصه نمی‌شود. این نگاه بریک واقعیت مهم تأکید داشت: دانشجوی برای ساختن آینده کشور، تنها به دانش تخصصی نیاز ندارد؛ رشد فکری، فرهنگی و مسئولیت اجتماعی نیز بخشی از مسیر اوست. جهاد دانشگاهی می‌توانست در این نقطه میان دانشگاه، فرهنگ و تربیت جوانان پیوند ایجاد کند.

سیزده سال بعد، در همان تاریخ، یعنی ۱۱ شهریور ۱۳۸۲، تصویری دیگر از توان جهاد دانشگاهی نمایان شد. این بار جمعی از پژوهشگران پژوهشگاه رویان به دیدار رهبر انقلاب رفتند؛ دیداری که محور آن یکی از دستاوردهای مهم علمی کشور، یعنی دستیابی به دانش تولید، تکثیر و انجماد سلول‌های بنیادی جنینی بود. این موفقیت تنها یک دستاورد آزمایشگاهی نبود. پشت آن سال‌ها پژوهش،



گزارش عملکرد

تداوم فعالیت‌های دانشجویی در روزهای دشوار

کارنامه پنج‌ماهه سازمان دانشجویان جهاد دانشگاهی اصفهان - سمیرا قاسمی

در شرایطی که بخش قابل توجهی از فعالیت‌های دانشگاهی در ماه‌های اخیر تحت تأثیر غیرحضور شدن آموزش، کاهش حضور دانشجویان در دانشگاه‌ها و محدودیت دسترسی به جامعه هدف قرار داشت، سازمان دانشجویان جهاددانشگاهی اصفهان توانست با کمک دانشجویانی دغدغه‌مند، هم‌چنین برنامه‌ریزی، استفاده از ظرفیت فضای مجازی و همکاری با دانشگاه‌ها، بخش مهمی از مأموریت‌های فرهنگی، آموزشی و اجتماعی خود را دنبال کند.



سمیرا قاسمی، مدیر اجرایی سازمان دانشجویان جهاددانشگاهی اصفهان، با تشریح عملکرد این مجموعه در فاصله فروردین تا مرداد ۱۴۰۵، گفت: کارنامه پنج‌ماهه سازمان نشان می‌دهد حتی در شرایطی که حضور دانشجویان در دانشگاه‌ها محدود بود و ارتباط مستقیم با آنان با دشواری‌هایی همراه شد، روند اجرای برنامه‌ها متوقف نشد و فعالیت‌ها در حوزه‌های مختلف با رویکردی مسئله‌محور ادامه یافت.

وی با اشاره به مهم‌ترین اقدامات انجام‌شده در این مدت افزود: معرفی سازمان دانشجویان جهاددانشگاهی اصفهان به عنوان یکی از چهار شعبه فعال کشور در «جنگ رمضان»، اجرای طرح ملی «یاد یار»، برگزاری آیین اختتامیه مناظرات دانشجویی و معرفی سه گروه برگزیده به مرحله کشوری، از مهم‌ترین رخدادهای این بازه‌ی زمانی بوده است.

قاسمی همچنین از جذب ۱۹۰ عضو جدید دانشجو، همکاری در برگزاری ۲۰ رویداد فرهنگی، تولید و انتشار ۱۲۲ محتوای اختصاصی در سایت و شبکه‌های اجتماعی، حمایت از اجرای ۸۷ برنامه در کانون‌های دانشجویی و صدور مجوز فعالیت برای سه کانون دانشجویی خبر داد.

به گفته مدیر اجرایی سازمان دانشجویان جهاددانشگاهی اصفهان، برگزاری چهار نشست مجازی، یک کارگاه آموزشی، یک تور بازدید از مرکز آموزش کودکان کار («سرمه») و آغاز همکاری با این مجموعه، از دیگر اقدامات انجام‌شده در این پنج ماه بوده است.

او خاطر نشان کرد: با همراهی معاونان فرهنگی و آموزشی جهاددانشگاهی اصفهان، از ابتدای سال جاری سه جلسه با دانشگاه‌های فرهنگیان، شهید اشرفی و علوم پزشکی اصفهان با هدف راه‌اندازی دفاتر دانشگاهی سازمان برگزار شده و امید داریم با امضای تفاهم‌نامه‌ها، شاهد گسترش دامنه‌ی فعالیت‌های دانشجویی جهاددانشگاهی در استان باشیم.

وی تأکید کرد: استمرار تمامی این فعالیت‌ها در شرایط خاص ماه‌های اخیر به لطف پروردگار میسر شده و نشان‌دهنده‌ی تعمیق ارتباط ما با دانشجویان و موفقیت در ترغیب آنان به مشارکت‌های فرهنگی-اجتماعی است.

گزارش: نگار آقایی اصفهانی



@Kimia_azd



<https://azduni.blogfa.com/>



دانشگاه اصفهان
سازمان دانشجویان جهاد دانشگاهی اصفهان



09201257703

